

به قلم؛ جین گنز  
ترجمه از؛ فریدون موخوف

## درک فیض خدا

از جین گنز

زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به وسیله ایمان و این از شما نیست، بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم؛ آفریده شده در مسیح عیسی و برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.

افسیان ۲: ۸-۱۰

## نتایج فیض خدا چیست؟

پولس در این متن خود که در رابطه با فیض می‌نویسد، از دو نتیجه سخن می‌راند:

### هدیه نجات خدا

در این پاراگراف ما با دو آیه بسیار روشن عهد جدید روبرو هستیم که در عین حال بیشتر از هر آیه دیگر عهد جدید به غلط تفهیم شده است. پولس اینطور نوشته است: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید به وسیله ایمان و این از شما نیست، بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچکس فخر نکند.» (افس ۲: ۹-۱۰)

این بار اول نیست که پولس در این نامه در رابطه با نجات ما به فیض اشاره می‌کند. در آیه ۶ فصل ۱ پولس این صفات را به عنوان «فیض پر جلال» قلمداد می‌کند؛ فیضی که به ما به شکل مجانی و بلاعوض در کسی که دوستش می‌دارد، عطا کرده است. پولس ادامه داده و می‌فرماید: «که در وی به سبب خون او فدیة یعنی آمرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته‌ایم. که آن را به فراوانی به ما عطا فرمود در هر حکمت و فطانت.» (۱: ۷-۸)

نجات یک هدیه است. آن را نمی‌توان خرید. کاری نیست که بتوانیم با انجام آن این نجات را صاحب گردیم. این را تنها می‌توانیم از طریق ایمان دریافت کنیم.

نجات توسط فیض که از طریق ایمان صورت می‌گیرد، همان چیزی است که مسیحیت واقعی را از تمامی مذاهب و کیشها و مکتبهای دیگر جدا می‌سازد. همه این مذاهب و مکاتب، بدون استثنا، «نجات از طریق اعمال» و یا ترکیبی از اعمال و ایمان را مطرح می‌کنند.

آیا شده است که انجیل را با کسی در میان گذارید و در پاسخ به شما بگوید که همه مذاهب اساساً یکی هستند؟ اگر بخواهیم کلی صحبت کنیم، این دیدگاه صحیح است ولی با یک استثنا. کتابمقدس چنین تعلیم می‌دهد که انسان به توسط فیض خدا و از طریق ایمان نجات پیدا می‌کند، نه اعمال. حال آنکه بسیاری از مذاهب تعلیم می‌دهند که نجات انسان از طریق اعمال و یا ترکیبی از اعمال و ایمان میسر است. در نتیجه، فردی که تا حدی با دینهای مختلف این دنیا آشنایی پیدا کرده است، این شباهت را می‌بیند و درباره مسیحیت حقیقی متأسفانه این حقیقت اساسی را درک نکرده است.

### اعمال خوب فرد مسیحی

پس جای اعمال کجاست؟ پولس در آیه ۱۰ به این سؤال جواب می‌دهد: «صنعت او هستیم؛ آفریده شده در مسیح عیسی و برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم.» پولس با این سخن به این مطلب اشاره دارد که توبه و ایمان واقعی به انجام «اعمال خوب» منتهی می‌گردد. در واقع، نقشه خدا این است. علاوه بر آن، کسی که حقیقتاً فیض خدا را درک می‌کند و آن را تجربه کرده است، در مقابل این فیض پاسخ و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

بنابراین امتحان اینکه آیا ما فیض خدا را تجربه کرده‌ایم یا نه، در آن اثری است که این امر در زندگی مان می‌گذارد. کتابمقدس این مطلب را به روشنی بیان می‌دارد که ایمان حقیقی به انجام اعمال خوب منتهی می‌گردد. در واقع، یعقوب در این مورد این مطلب را هم اضافه می‌کند که «ایمان بدون اعمال مرده است.» (یعقوب ۲: ۲۶). اگر ما حقیقتاً نجات یافته‌ایم فیض خدا ما را وا خواهد داشت تا زندگی خود را با زندگی عیسی مسیح مطابق گردانیم.

### پلگونه باید در مقابل فیض خدا پاسخ دهیم؟

این قسمت از کلام خدا دو سؤال در مقابل هر کدام از ما قرار می‌دهد:

۱- آیا من در مقابل محبت، رحمت، و مهربانی خدا پاسخ مثبت داده و به توسط فیض او

هدیه نجات را از طریق ایمان دریافت کرده‌ام؟

برای اینکه بتوانید در مورد این سؤال عمیقتر فکر کنید، تجربه‌ای را که با یک پلیس راهنمایی داشتم، با شما در میان می‌گذارم. این افسر زمانی که مرا به کنار کشید و با آن لحن مؤدبانه آمرانه پلیس وار برایم توضیح داد که چطور پشت‌سر هم چهار قانون رانندگی را نقض کرده‌ام، از تعجب خشکم زده بود. من خود به این گمان بودم که همیشه قانون را رعایت می‌کنم. راستش را بخواهید، زمانی که ماشین من به موازات ماشین پلیس پیش می‌رفت، در دل نسبت به نحوه رانندگی قانونی‌ای که داشتم، به خود می‌بالیدم! ولی باور خود من بر اینکه قانون را نمی‌شکنم، به این معنی نبود که مقصر نیستم و آن را نقض نکرده‌ام. علاوه بر آن، در یک مورد، حتی از خود قانون هم بی‌اطلاع بودم و نمی‌دانستم که در آن جاده بخصوص سرعت من چقدر باید باشد. از این رو هم قانون را زیر پا می‌گذاشتم. ولی در هر حال من مقصر بودم. می‌بینید، عدم اطلاع از قانون نمی‌تواند بهانه قرار گیرد!

یک چنین وضعیتی را می‌توان امروزه به میلیونها نفر که قوانین خدا را نقض می‌کنند، تعمیم داد. برخی از مردم فکر می‌کنند که با رعایت ده فرمان موسی کاری محشر می‌کنند. این افراد به این گمان هستند که در حضور خدا صالح و مقبولند. حال آنکه، بر اساس تعلیم کتابمقدس، اگر ما در طول زندگی خود فقط یک امر را نقض کرده باشیم، به همان اندازه مقصر هستیم که گویی همه اوامر خدا را زیر پا گذاشته‌ایم. خدا نمی‌تواند به هیچ گناهی نظر کند. به همین دلیل هم بود که عیسی به عنوان پسر کامل خدا آمد و در روی صلیب گناهان ما را بر خود گرفت.

از این جهت اگر بر آن هستید که با نگاهداشتن شریعت و قوانین خدا به آسمان راه یابید و مقبول خدا گردید، هیچوقت به آن نخواهید رسید. هیچ کس به غیر از خود عیسی مسیح شریعت و قانون الهی را به طور کامل رعایت نکرد. از این جهت هم هست که او منجی کامل است. تنها طریق دستیابی به حیات جاودان این است که گناه خود را قبول کنید و عیسی مسیح را به عنوان منجی خود بپذیرید و سپس هدیه بلاعوض نجات را دریافت دارید.

در تجربه‌ای که با آن افسر پلیس داشتم، مطلب دیگری هم هست. وقتی که افسر به من گفت که قصد ندارد برایم برگ جریمه صادر کند، چه می‌شد اگر می‌گفتم: «قربان، اصلاً نمی‌شود. بنده این پیشنهاد آزادی را قبول نمی‌کنم! من قانون را نقض کرده‌ام و مقصر هستم. بنده را توقیف بفرمایید! مرا جریمه کنید! پشت میله‌های زندان بیندازید!»

رد کردن تصمیم آن افسر را احمقانه می‌بود و مطمئنم که شما نیز آن را تصدیق می‌کنید. به نظر عاقلانه نمی‌آمد که کسی چنین کاری بکند.

ولی به همان اندازه هم عاقلانه به نظر نمی‌رسد که تصمیم خدا را در نجات بلاعوض خود رد کنیم. با اینحال، میلیونها نفر در مقابل خبر خوش این نجات و آنچه که خدا مجاناً به آنها عرضه

می‌دارد، می‌گویند: «مرا محاکمه کن. تاوان گناهان مرا از من بستان. مرا برای همیشه پشت میله‌های زندان ببنداز!»

درست است، خیلی‌ها هستند که از نقشه نجات خبر ندارند. خیلی‌ها هستند که مجانی و بلاعوض بودن این هدیه را درک نمی‌کنند. ولی در عین حال خیلی‌ها هم هستند که با اینکه از حقیقت خبر دارند، ولی باز در مقابل آنچه که خدا به آنها عرضه می‌دارد، پاسخ مثبت نمی‌دهند. این، البته که به عقل جور در نمی‌آید. این تصمیم کاملاً احمقانه است. بدین ترتیب اگر شما حقیقت را می‌دانید، و مسلماً می‌دانید اگر تا به این نقطه خوانده‌اید، خدا را تحت فشار نگذارید که شما را به میز محاکمه کشد. هدیه بلاعوض و مجانی نجات الهی را از او بپذیرید. چنانکه کتاب مقدس هم می‌گوید: «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید.» (عبر ۴: ۷)

۲- اگر شما مسیحی هستید، آیا به فیض خدا اجازه می‌دهید که شما را تعلیم دهد و به صورت پسر او عیسی مسیح درآورد؟

سالها قابل در شهر «بیلینگز» مونتانا به دانشکده می‌رفتم و در عین حال خدمت هم می‌کردم. هرچند وقت یکبار با قطار مسافت ۱۶۰۰ مایلی بین شیکاگو و بیلینگز را سفر می‌کردم. از این رو هم وقت زیادی برای کتاب خواندن داشتم. در یکی از این سفرها کتابی به نام «انضباط دهی فیض» را خواندم. این کتاب را «جی. اف. استرامبک» نوشته است. این کتاب در واقع توضیحی بود بر آنچه که پولس به تیطس می‌نویسد: « زیرا فیض خدا به‌ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات‌بخش است و به ما می‌آموزد که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خویشنداری و پارسایی و دینداری در این عصر حاضر زیست کنیم، در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پر جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده‌مان عیسی مسیح هستیم، که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت باز خریدمان کند و قومی برای خود ظاهر سازد که از آن خودش باشند و غیور برای کار نیکو.» (تیط ۲: ۱۱ - ۱۴)

توجه خواهید داشت که «فیض» نه فقط نجات را به افراد غیر مسیحی عرضه می‌دارد، بلکه مسیحیان را تعلیم هم می‌دهد. دکتر استرامبک در کتاب خود می‌گفت که حقیقت بیان شده در این آیات زندگی او را عوض کرد، مخصوصاً هم با آن زمینه شریعت‌گرایی‌ای که او از آن می‌آمد. دکتر استرامبک می‌گوید که اثر شگرف آگاهی و تجربه حقیقی از فیض خدا را در زندگی مسیحی دیده است؛ اثری که به مراتب بالاتر از انجام یک سری قوانین مذهبی است. و بلاخره این واقعیت را با این سخن خلاصه می‌کند:

«کافی نیست که فقط معنی فیض را بدانیم، لازم است وسعت این فیض را زمانی که به زندگی شخص ایماندار پا می‌گذارد، هم درک کنیم. درک این مطلب به عنوان زمینه جهت درک انضباطی که فیض الهی به زندگی شخص ایماندار می‌آورد، ضروری است. بسیاری از انسانها فیض را صرفاً وسیله‌ای می‌دانند که خدا به توسط آن گناه را می‌بخشد و از درک این مطلب عاجز می‌مانند که فیض طریقی است که خدا بدان با شخصی که مسیح را در قلب خود می‌پذیرد، عمل می‌نماید، نه فقط در این تجربه زمینی، بلکه در طول تمامی ابدیت. از این کوتاه اندیشی‌ای که در رابطه با فیض وجود دارد، و از این عدم تعلیم به شکل کامل آن صدمات زیادی ناشی شده است. علت اینکه مسیحیان از نظر رفتار مسیحایی تا به این حد ضعیف هستند نیز در همین عدم تعلیم کامل فیض می‌باشد. این عدم تعلیم در ذهن خیلی‌ها فیض را تبدیل به مجوزی جهت ارتکاب گناه کرده است و تنها زمانی از بین می‌رود که موضوع فیض را به طور کامل تعلیم دهیم و وعظ کنیم.»

و بدین ترتیب هر فرد مسیحی باید از خود بپرسد: «آیا اجازه می‌دهم که فیض خدا، که با آن مرا نجات داده است، طرز داشتن زندگی مسیح‌وار را در این دنیا نیز به من تعلیم دهد؟»